

نقش بانک استقراضی در جلوگیری از تأسیس بانک ملی و بانک آلمانی در ایران عصر مشروطه

مظفر شاهی

طرح مسئله

روسیه تزاری را به عنوان شاخص‌ترین دشمن خارجی انقلاب مشروطیت ایران می‌شناسیم. در این میان انگلیسیان متظاهر نیز صرفاً در چارچوب اهداف و سیاستهای مداخله‌جویانه خود در شئون مختلف ایران در قبال انقلاب مشروطه موضع‌گیری کردند. گذر زمان نیز به تدریج اثبات کرد که سیاستگذاران انگلیسی امور ایران هم ماهیت مخالفت و کارشکنی‌هایشان در روند انقلاب مشروطیت دست کمی از رقبای قدیمی و متحدان جدیدشان روسیه ندارد. بدین ترتیب این دو کشور به‌رغم برخی موضع‌گیریهای علی‌الظاهر ناهمگن، گام‌به‌گام و بازوبه‌بازو در انحراف و شکل‌دهی دلخواهانه تحولات دوران انقلاب مشروطیت ایران تشریک مساعی کردند. به‌رغم این تحرکات آشکارا مخالف، مشروطه‌خواهان ایران در راه پیشبرد اهداف انقلاب به اقدامات پرشماری همت گماردند که البته بسیاری از این تلاشها عمدتاً به خاطر مخالفت و کارشکنیهای روسها و انگلیسیها سرانجامی نیکو نیافت و عقیم ماند. از جمله مهم‌ترین تلاش نظام جدید مشروطه و مجلس شورای ملی که در نهایت به خاطر کارشکنی و عدم همکاری روسیه و انگلستان به شکست انجامید طرح تأسیس بانک ملی و نیز تلاش برای تشکیل شعبه یا شعباتی از بانک شرقی آلمان در تهران و برخی شهرهای ایران بود. بانکهای استقراضی و شاهنشاهی که به آن روزگار تحت پشتیبانی و حمایت‌های بی‌دریغ دولتهای روسیه و انگلستان نبض اقتصاد پولی و اعتباری و نیز تجاری ایران را در دست داشتند البته شایق نبودند مؤسسه مالی - اعتباری ثالثی موقعیت بلامنازع آنان را در شئون مختلف اقتصادی و نیز سیاسی - اجتماعی کشور مورد تهدید قرار دهد. به همین دلیل به

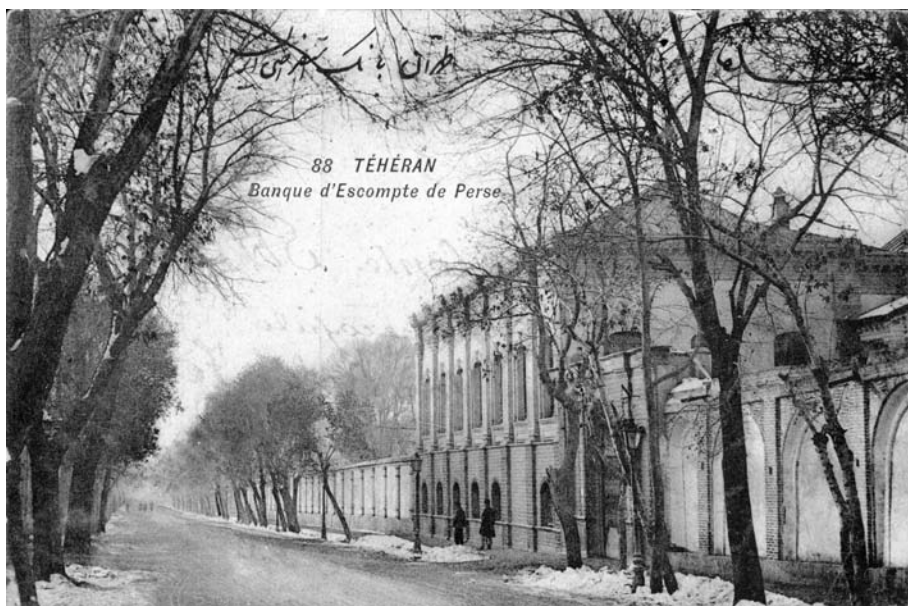


نمای بخشی از شهر تهران و بانک شاهنشاهی ایران در میدان توپخانه [۲۸۱۳-۶۱]

شیوه‌های پیدا و پنهان در راه شکل‌گیری بانک ملی و نیز شعبه بانک شرقی آلمان در ایران مانع ایجاد کردند. با عنایت به استدلال و فرضیه فوق مقاله حاضر تلاش می‌کند با نگاهی تحلیلی و تاریخی موضع مخالف و البته دشمنانه بانک استقراضی روس با طرح تشکیل بانک ملی و نیز شعبه بانک شرقی آلمان در ایران عصر مشروطه را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد، با این توضیح که محور قرار دادن مخالفت بانک استقراضی با شکل‌گیری مؤسسات مالی مذکور به مفهوم نادیده گرفتن نقش مشابه بانک شاهنشاهی در این واقعه نیست که البته بررسی نقش بانک شاهنشاهی در عدم شکل‌گیری و توقف طرح تأسیس بانک ملی و شعبه بانک شرقی آلمان در ایران مجال دیگری می‌طلبد.

الف. موضع بانک استقراضی در برابر تأسیس بانک ملی

مدت کوتاهی پس از تأسیس مجلس شورای ملی در صدر مشروطیت هیئت دولت طرح استقراضی به مبلغ بیست کرور تومان از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را به



نمای بیرونی بانک استقراضی ایران در دوره قاجاریه [۳۷۹۸-۴ع]

مجلس ارائه داد، اما برخلاف انتظار دولت و دربار مجلس شورای ملی با اخذ هرگونه وامی از این دو کشور مخالفت کرده^۱ و این اقدام مجلس مقدمه‌ای برای طرح تشکیل بانک ملی در ایران شد.^۲ نمایندگان که به نتایج اسارت‌بار وامهای خارجی واقف بودند تنها راه نجات از این‌گونه بحرانها را در تأسیس بانک ملی یافتند و به دنبال آن طی جلساتی متعدد موضوع تأسیس بانک ملی در مذاکره نمایندگان مجلس شورای ملی مطرح شد.^۳ بدین ترتیب مخالفت با اخذ وام از بانکهای خارجی انگیزه لازم را به

۱. مهدی ملک‌زاده. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران، انتشارات علمی، ۱۳۵۸. (سه جلد در یک جلد)، چاپ دوم. ص ۴۰۲ و سلام‌الله جاوید. نهضت مشروطیت ایران و نقش آزادیخواهان جهان. تهران، انتشارات دنیا، ۱۳۴۷. چاپ دوم. صص ۴۲-۴۱.

۲. کتاب آبی. به کوشش احمد بشیری. تهران، نشر نو، ۱۳۶۳. ج اول. صص ۱۳-۱۲.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول؛ مظفر شاهی. «مجلس اول، بحرانهای مالی و طرح تأسیس بانک ملی»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ویژه‌نامه مشروطیت، تابستان ۱۳۷۸.

نمایندگان مجلس داد تا طرح تأسیس بانک ملی را به جد مورد توجه قرار دهند. اما هیئت دولت که سخت دچار بحران مالی بود و از سوی دیگر تردید داشت که مجلس شورای ملی در کوتاه‌مدت بتواند بانک مورد نظر را تأسیس کرده سرمایه لازم را برای آن فراهم آورد کماکان اعتقاد داشت که تا تأسیس بانک ملی دولت ناگزیر از قرضه خارجی است. اما مجلس شورای ملی که مصمم بود بانک ملی را تأسیس کند به دولت وعده می‌داد که در آینده‌ای نه چندان دور بانک مذکور را افتتاح و پول مورد نیاز دولت را تأمین خواهد نمود^۴ و به هیئت دولت اخطار می‌کرد که بدون تصویب مجلس هیچ‌گونه امکانی برای اخذ وام خارجی متصور نیست.^۵

همزمان با این اقدامات و موضع‌گیریهای مجلس شورای ملی برخی نشریات کشور نیز در دفاع از لزوم تأسیس بانک ملی مطالبی منتشر می‌ساختند و بالاخص با برشمردن مضار و مشکلات عدیده‌ای که بانکهای شاهنشاهی و استقراضی تا آن هنگام برای کشور ایجاد کرده بودند، مجلس، دولت و مردم کشور را به همکاری و مشارکت جدی برای تأسیس بانک ملی فرامی‌خواندند.^۶ از جمله روزنامه *جل‌المتمین* طی مطلبی در این باره چنین نوشت:

یکی از منابع [تأمین پول برای دولت] بانک است. مملکتی که بانک ندارد اعتبار ندارد و زمام اختیارش در دست دولت خارجه است. چنانکه امروز اختیار دولت ما در دست بانک روس و انگلیس افتاده هر ساعت بخواهند طهران را پراز پول کرده و هر دقیقه میل کنند قحط پول در تهران می‌شود. چرخ تجارت گردش نمی‌کند مگر به قوه تجار بانک. امروز معیار پول مابه کف خارجه است. ما نمی‌توانیم پول خود را در یک قیمتی که میل و صرفمان باشد نگاه داریم، زیرا که بانک نداریم، بورس صرافیه... نداریم.^۷

همین روزنامه در مطلبی دیگر تحت عنوان «بانک ملی چه شد» با اشاره به وضعیت ناگواری که از نفوذ مالی - اعتباری بانک استقراضی در شئون مختلف کشور ایجاد شده

۴. کتاب آبی. ج اول. صص ۳۳-۳۲.

۵. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران؛ مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان. به کوشش حسن معاصر. تهران، ابن سینا، ۱۳۵۲. ص ۱۳۷.

۶. برای نمونه بنگرید به: روزنامه *جل‌المتمین*، سال ۱۳، ش ۳۹، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵؛ سال اول، ش ۱۱۸، سه‌شنبه ۸ شعبان ۱۳۲۵؛ سال اول، ش ۱۲۱، شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۲۵ و سال اول، ش ۱۱۷، دوشنبه ۷ شعبان ۱۳۲۵.

۷. روزنامه *جل‌المتمین*، سال اول، ش ۱۵۹، سه‌شنبه ۵ شوال ۱۳۲۵، ص ۲.

بود، خاطر نشان کرد:

... ما همه روزه می‌بینیم به در و دیوار اعلامیه چسبانیده که بانک استقراضی در فلان روز با کمال احترام لباس زنهای شما را حراج می‌کند و زینت زنانه شما را می‌فروشد ابداً متأثر نمی‌شوید... غیرت ملی داریم حرف؛ استقلال دولت می‌خواهیم حرف؛ حب وطن داریم و...^۸

در همان حال اعلام حمایت‌هایی هم از سوی برخی مراجع عظام و روحانیون در تأیید و لزوم تأسیس بانک ملی صورت می‌گرفت که مردم را به انحاء مختلف به مشارکت و همکاری در تأسیس این بانک فرا می‌خواندند^۹ و گاه با کمک‌های مالی به بانک در دست تأسیس مردم را در یاری رساندن مالی به آن تشویق می‌کردند.^{۱۰} مجلس شورای ملی نیز که طرح‌هایی برای تدوین نظام‌نامه بانک ملی تهیه کرده بود و گام‌هایی دربارهٔ چگونگی تأسیس و اداره بانک برداشته بود در ابتدای امر درصدد برآمد برای تهیه سرمایه مورد لزوم بانک به منابع داخلی روی آورد. به همین دلیل تمام مردم کشور برای کمک مالی به این بانک در دست تأسیس به کمک فراخوانده شدند و با انتشار اوراق مشارکت به جمع‌آوری نقدینگی و سایر اشیاء قیمتی مردم مبادرت شد.^{۱۱}

هاشم محیط‌مافی دربارهٔ طرح مجلس شورای ملی جهت گردآوری پول از مردم کشور و نیز میزان استقبال مردم از این اقدام مجلس چنین می‌نویسد:

این اوقات در مجلس گفت‌وگوی تأسیس بانک ملی است. مردم هم باکمال میل برای شرکت حاضر بودند. این زمان مشهور شد که دولت ایران می‌خواهد استقراض جدیدی از دولتین همجوار بنماید. ملت این کار را تصویب نکردند. مجلس در این باب رأی نداد. گفتند دولت در افتتاح بانک ملی همراهی و مساعدت نماید. پس از آنکه بانک مفتوح شد دولت هر قدر پول می‌خواهد بانک ملی خواهد داد. مجلس برای حفظ حقوق سلطنتی و ملی این استقراض را تصویب نکرد. عموم اهالی حتی مخدرات محترمه به صدا آمدند که ما حاضریم از مال خود مجاناً به دولت داده که از اجانب استقراض نشود.

۸. روزنامه جل‌المتین، سال اول، ش ۱۷۲، چهارشنبه ۲۰ شوال ۱۳۲۵، ص ۱.

۹. برای نمونه بنگرید به: موسی نجفی. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرایانه حاج آقا نورالله اصفهانی. بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۹. صص ۲۵۵-۲۵۴.

۱۰. برای نمونه بنگرید به: احمد کسروی. تاریخ مشروطه ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰. چاپ پنجم. ص ۱۸۲.

۱۱. همان. صص ۱۷۷-۱۸۲.

لذا، وکلای مجلس چنین صلاح دیدند که بانکی موسوم به بانک ملی تأسیس شود. هر کسی به قدر قوه، وجهی به عنوان شرکت و سرمایه در بانک بگذارد و سهام دریافت دارد. مراتب افتتاح و تأسیس بانک مذکور را به وسیله صدراعظم به عرض اعلی حضرت رسانیدند. اجازه فرمودند که بانک تأسیس گردد.

لذا برحسب امر شاهنشاهی جمعی از وزراء، اعیان، اشراف، تجار و بزرگان درصدد تشکیل و تأسیس بانک ملی برآمدند. سرمایه این بانک را قبلاً سی کرویر تومان معین کرده‌اند که بعد از جمع‌آوری سی کرویر تومان و افتتاح بانک ملی در آن وقت سرمایه بانک به یکصد کرویر تومان بالغ خواهد شد. مؤسسین از پنج هزار تومان و ده هزار تومان الی پنجاه هزار تومان برای سرمایه اولیه داده‌اند و غیرتمندان اسلامی که در ممالک خارجه هستند اکثر حاضر شده‌اند که برای ترقی وطن عزیزشان سرمایه به قدر قوه در بانک بگذارند و سهام خریداری نمایند. از ولایات داخله هم از اکثر جاها کمکی در این سرمایه بانک کرده‌اند. چون تا زمانی که قوانین این بانک نوشته شود و امتیاز رسمی از دولت صادر گردد، مدتی لازم است. حالیه هم از طرف دولت مبلغ عمده‌ای پول برای اصلاحات خواسته‌اند. بنابر بیانات مذکور، ملت همت مخصوص عاجلی باید در رفع احتیاج دولت از استقراض خارجه بنمایند.

از طرف افراد ملت تقاضا شد که محل دادن وجوهات معین بشود که آنها بپردازند لذا اعلانی دیگر قریب به مضمون ذیل انتشار یافت.

اعلان

هر یک از ابنای وطن عزیز مایل هستند که نام نیک در صفحه روزگار باقی گذارند در ادارات مقرر ذیل وجه سرمایه اشتراکی خود را تحویل و قبض موقتی که به مهر و امضای صاحب اداره چاپ شده بگیرند. بعد از اینکه سهام بانک حاضر شد، قبوضات موقتی را به بانک داده ورقه سهام دریافت دارند. امتیاز این بانک از طرف دولت مرحمت خواهد شد به شرایط مقرر که در اساسنامه مندرج و اعلان خواهد شد. اداراتی که وجوهات تحویل و قبض دریافت می‌شود: حجره حاجی محمد اسماعیل تبریزی، حجره حاج باقر صراف تبریزی، حجره ارباب جمشید تاجر پارسی و حجره برادران طومانیانس.^{۱۲}

۱۲. هاشم محیط‌مافی. مقدمات مشروطیت. به کوشش مجید تفرشی و جواد جان‌فدا. تهران، انتشارات فردوسی،



ارباب جمشید بهمن نماینده دوره اول زرتشتیان در مجلس [۶۷۷۸-۱ع]

همزمان با این اقدامات، مجلس شورای ملی طرحهایی جهت اخذ وام از سرمایه‌بانک ملی برای مصارف دولتی آماده کرد و با تنظیم قرارنامه‌ای درباره چگونگی و شرایط این وام اظهارنظرهایی ارائه شد.^{۱۳} در تنظیم نظامنامه بانک ملی و چگونگی تأسیس و اداره آن بالاخص تجار نقش درجه اولی داشتند. این گروه به مقتضای شغل و حرفه تجاری - صرافی خود بیش از سایر نمایندگان مجلس از مسائل بانکداری آگاهی داشتند.^{۱۴} مجلس شورای ملی پس از مدتها مذاکره و گفت‌وگو اعلانی عمومی که در ۱۳

۱۳. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق.

۱۴. منصوره اتحادیه. پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران، نشر

ذی‌قعدة ۱۳۲۴ به شرح زیر صادر کرد به دلایل نمایندگان برای اجتناب از استقراض خارجی و طرح تأسیس بانک ملی اشاره نموده و از مردم خواست تا در تأسیس و پا گرفتن این بانک مشارکت جدی داشته باشند:

اعلان تأسیس بانک ملی

امروز که دوره ترقی و سعادت به طرف ایران روی نهاده اول قدمی است که به استقبال آن با جان و مال اهالی برداشته‌اند و در تهیه و تدارک این امر محترم از بذل جان و مال مضایقه ندارند و برای انتظام این نیت مقدس اولیای دولت محتاج بودند و گفت‌وگویی با دولتین یعنی بین انگلیس و روس نموده بودند که به قدر لزوم کارگشایی نمایند از طرف ذیشرف بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواح العالمین فداه مسئله راجوع و اخطار به مجلس شورای ملی نموده‌اند. اهل مجلس محض پاس حقوق شاهانه و حفظ شئون ملی و ملاحظات خیرخواهانه دولت و ملت قرض از خارجه را تصویب نمودند. عموم اهالی غیرتمند وطن‌پرست که خدای ناصر و حافظشان باد حتی مخدرات محترمه در مجالس و مساجد و معابر به صدادرآمدند که این وجه را ولو اینکه مجاناً باشد و بلاعوض خودمان حاضریم که به دولت داده و از خارجه استقراض نشود.

علیهذا اعضاء مجلس شورای ملی چنین صلاح دانسته که بانکی موسوم به بانک ملی تأسیس شود که عموم اهالی ایران در آن شرکت داشته باشند هر کس به قدر قوه و قدرت و وطن‌پرستی خود وجهی به عنوان سرمایه شرکتی در این بانک بگذارد و قبض و سهام دریافت دارد که بانک با این سرمایه داد و ستد نماید حالاً و مآلاً رفع حوادث و حوائج دولت و ملت را بنماید.

مراتب توسط حضرت مستطاب اجل اشرف آقای صدراعظم مدظله‌العالی به عرض خاکپای مهر اعتلای مقدس شاهانه ارواحناه فداه رسید. تأسیس این بانک را امر اجازه فرموده‌اند، لهذا جمعی از وزراء عظام و رجال محترم و تجار با یکدیگر همراهی و اتحاد نموده و تشکیل این بانک را درصدد برآمدند و فعلاً سرمایه این بانک را در مبلغ سی کرور تومان معین نموده‌اند که بعدها لدی‌الاقضاء به یکصد کرور تومان بالغ خواهد شد. تعداد مؤسس این بانک یکصد نفر است و این یکصد نفر هر کدام از پنج هزار تا پنجاه هزار تومان وجه سرمایه تأسیس داده و

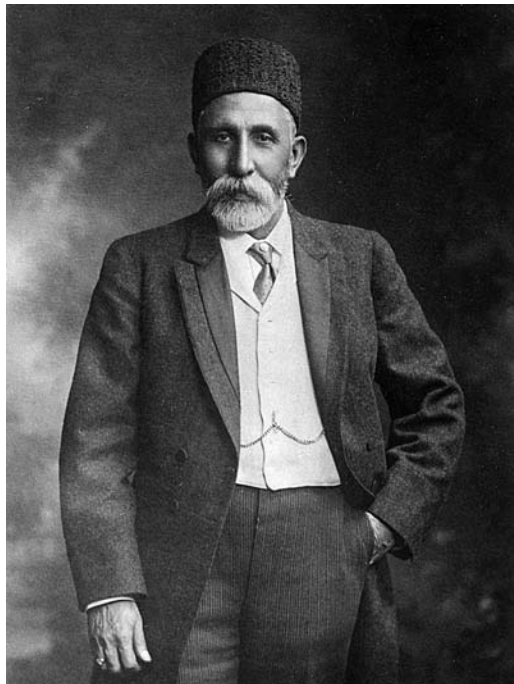


اجتماع جمعی از نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی در محوطه مجلس [۳۸۱۴-۱۴]

خواهند داد ولی عموم اهالی غیرتمند از تمام ممالک محروسه مجاز و مختار است که در این بانک ملی به قدر قوه خود از ۵ تومان الی هر میزانی که بخواهد وجه داده شرکت نماید قبض و اسهام دریافت داشته و خیر دنیا و آخرتی را برای خود تحصیل نماید. چون تا موقع نوشتن صحیحه و شرایط مدتی لازم است که از روی بصیرت و صحت اعتبار موافق ترتیبات بانکهای ملل متمدنه ترتیبات اساسی بانک فراهم شود و مبلغی عمده فعلاً بر حسب ضرورت و لزوم برای مخارج فوق‌العاده دولتی که تأخیر و تعویق آن ممکن نیست لازم است عموم اهالی وطن دوست عجله در راه انداختن وجه و رفع احتیاج دولت از استقراض از خارجه داشتند و خواهش نمودند اعلانی نوشته شود و چندین محل برای وجوهات معین شود لهذا این اعلان انتشار داده شد که هر یک از ابناء وطن عزیز که مایل هستند در این بنای مقدس شریک و نام نیک خود را در صحنه روزگار باقی و ثابت بگذارند در ادارات مقرر ذیل وجه اشتراکی خود را برده و تحویل بدهند قبض موقتی که طبع شده با امضاء و مهر اداره بگیرند و همان‌طور که در قبوضات چاپ شده نوشته شده پس از آنکه اسهام بانک

حاضر شود این قبوض موقتی را به بانک ملی رد نموده و رقه سهام دریافت خواهند داشت.^{۱۵}

در همان زمان نمایندگان مجلس شورای ملی نظامنامه‌ای ۱۲ ماده‌ای برای بانک ملی تدوین و تنظیم کرده و در ذیحجه ۱۳۲۴ مفاد آن را به تأیید محمدعلی شاه رسانیدند. نظامنامه بانک ملی در موارد متعدد محدودکننده حوزه فعالیت بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در ایران بود و گو اینکه آشکارا حقوق انحصاری آنان را که طی امتیازنامه مربوطه به آن بانکها واگذار شده بود تهدید نمی‌کرد اما بسیاری از فعالیتهایی را که در حیطه‌های مختلف اقتصادی، تجاری آنان واقع شده بود آسیب‌پذیر می‌ساخت. از جمله حقوقی که



محمد معین‌التجار بوشهری [۶۷۱-ع]

طی این نظامنامه به بانک ملی در مورد جمع‌آوری و ارسال عایدات دولتی از ایالات به مرکز، معاملات زراعی و رهن املاک، خرید بروات تجاری، اعطای قرضه به افراد حقیقی، احداث راه‌آهن و راه شوسه در تمام نقاط ایران، حق استخراج معادن، تجارت و واردات نقره برای ضربخانه و اعطای وامهای دولتی^{۱۶} داده شده بود آشکارا حوزه فعالیت تجاری - اقتصادی بانکهای استقراضی و شاهنشاهی را محدود کرده و چه بسا از کنترل آنان خارج می‌ساخت. در نظامنامه بانک ملی چنین آمده بود:

۱۵. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران. تهران، انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۷۷. صص ۷۶-۷۵.
۱۶. مجلس شورای ملی برای تهیه پول مورد نیاز دولت از طریق بانک ملی قرارنامه و شروطی نیز تنظیم کرد (برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق و سند ۲۹۲۸-ق).

... فصل اول - بانک ملی از شرکت عامه تبعه ایران تشکیل و ایجاد می‌شود که هرکس به تفاوت وجهی در بانک گذارده اسهام از بانک بگیرد.

فصل دوم - جمع عایداتی دیوانی از هر قبیل در تهران و سایر بلاد باید تحویل بانک ملی شود و تمام مخارج دولت را از هر قبیل این بانک به حواله وزیر مالیه خواهد پرداخت.

فصل سوم - بانک ملی می‌تواند معاملات زراعی و رهن املاک را به قانون شرع مطاع کند. همچنین خرید و فروش بروات تجارتنی داخله و خارجه و قرض و استقراض را به تراضی طرفین دایر نماید.

فصل چهارم - مطابق قرارداد جداگانه‌ای که مرتب خواهد شد حق امتیاز بلیط رایج (بانک نوت) در تمام ممالک محروسه بعد از انقضای مدت امتیاز بانک شاهنشاهی یا انفساخ حق امتیاز آن به موجب قرارنامه بالانحصار مخصوص بانک ملی خواهد بود.

فصل پنجم - بانک ملی حق دارد در تمام نقاط ایران احداث راههای آهن مطابق قراری که بعد مرتب خواهد شد نماید و همان‌طور می‌تواند راههای شوسه را به استثنای آنچه امتیازش سابقاً به دیگران داده شده به موجب قراری که مرتب خواهد شد احداث نماید و اگر دیگری برای کشیدن راه آهن و شوسه حاضر گردد بانک ملی به تساوی حق تقدم خواهد داشت.

فصل ششم - بانک ملی می‌تواند در اراضی موات و املاک دولتی انکشاف و استخراج معدن بنماید و از منابع و عواید آن بعد از وضع کلیه مخارج صدی ده به دولت علیه عاید دارد و سایر شروط به موجب قرارداد جداگانه است که بین دولت و بانک ملی منعقد خواهد شد. هرگاه معادن طلا و نقره و جواهرات این بانک انکشاف و استخراج نماید حق دولت از منافع آن به موجب قرارداد جداگانه خواهد بود.

فصل هفتم - دولت علیه امتیاز غواصی در خلیج فارس و استخراج مروارید را به بانک ملی ایران واگذار می‌فرماید صدی ده از منافع حاصله حق دولت خواهد بود.

فصل هشتم - در مواقعی که برای مسکوک رایجه نقره جهت ضربخانه دولتی لازم شود این بانک با آوردن نقره و فروش به ضربخانه حق تقدم خواهد داشت با تساوی شروط.

فصل نهم - از آنجا که معاملات خزانه دولت راجع به این بانک است و در آتیه بلیط بانک هم به توسط این بانک منتشر خواهد شد لهذا دولت علیه ایران حق مأمور کردن دو نفر مفتش برای این بانک خواهد داشت که در تمام امور این بانک تفتیش و

رسیدگی نماید. مفتش مذکور هر وقت مقتضی بدانند می‌توانند انجمن اداره و انجمن عمومی شرکاء را اخبار و احضار نمایند و در مشاورت آنها خود حاضر شده و داخل مذاکرات بشوند و نیز هر زمان می‌توانند رسیدگی به دفاتر و محاسبات و معاملات بانک نمایند.

فصل دهم - فروش و انتقال امتیازات مندرجه در این فرمان به تبعه یا شرکت خارجه از هر قبیل که باشد قویاً ممنوع و کان لم یکن خواهد بود و هکذا فروش و انتقال اسهام این بانک به تبعه خارجه ممنوع و از درجه اعتبار ساقط است و اگر به وراثت یا تبدیل تابعیت باشد باید در مدت یک سال به تبعه داخله فروخته شود و اگر صاحب این‌گونه سهام در فروش آنها مسامحه نماید انجمن عمومی شرکاء باید در موقع اجلاس سالیانه سهم او را از شرکت نقد نموده و وجه اسهام او را امانتاً در بانک نگاهدارد تا صاحبش بیاید و بگیرد.

فصل یازدهم - در موردی که برای دولت علیه تنخواهی به طور استراض لازم باشد این بانک به اندازه یک خمس سرمایه خود را به موجب قرارنامه جداگانه به دولت قرض خواهد داد.

فصل دوازدهم - مدت امتیاز این بانک یکصد و ده سال است پس از انقضای مدت، بانک ملی حق دارد با شرایط مقتضیه وقت تجدید امتیاز نماید.^{۱۷}

با تمام این احوال و به‌رغم پیشرفتهایی که در ابتدای امر در روند تأسیس و بالاخص مشارکت عمومی برای سرمایه‌گذاری نقدی در بانک ملی بروز کرد به تدریج و به دلایل عدیده داخلی و خارجی ادامه کار با مشکلات جدی روبه‌رو شد. در واقع کم‌کم این احساس عمومی به وجود آمد که پولهایی که به نام اعانه و یا خرید اوراق مشارکت به مؤسسين و دست‌اندرکاران جهت گشایش بانک ملی تسلیم می‌شود بدون اینکه به پیشرفت کار بانک کمکی بکند، در راههای ناصواب به مصرف رسیده و به هدر می‌رود. روزنامه ندای وطن در مطلبی تحت عنوان «اعتراض یکی از بزرگان» به این امر چنین اشاره می‌کند:

... اول آنکه در تمام ایران هشتاد کرور تومان پول نقد پیدا نمی‌شود، شما چگونه متوقع هستید چیزی که نیست پیدا شود. ثانی اینکه این وجه را یا کمتر یا بیشتر بنده و امثال بنده با هزار جان‌کندن و حق و ناحق تحصیل کرده‌ایم که خودمان و

۱۷. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱۴۹۹۲-ق و سند ۱۴۹۹۳-ق.

با تمام این احوال و بهرغم پیشرفتهایی که در ابتدای امر در روند تأسیس و بالاخص مشارکت عمومی برای سرمایه‌گذاری نقدی در بانک ملی بروز کرد به تدریج و به دلایل عدیده داخلی و خارجی ادامه کار با مشکلات جدی روبه‌رو شد. در واقع کم‌کم این احساس عمومی به وجود آمد که پولهایی که به نام اعانه و یا خرید اوراق مشارکت به مؤسسين و دست‌اندرکاران جهت گشایش بانک ملی تسلیم می‌شود بدون اینکه به پیشرفت کار بانک کمکی بکند، در راههای ناصواب به مصرف رسیده و به هدر می‌رود. روزنامه ندای وطن در مطلبی تحت عنوان «اعتراض یکی از بزرگان» به این امر چنین اشاره می‌کند:

... اول آنکه در تمام ایران هشتاد کرور تومان پول نقد پیدا نمی‌شود، شما چگونه متوقع هستید چیزی که نیست پیدا شود. ثانی اینکه این وجه را یا کمتر یا بیشتر بنده و امثال بنده با هزار جان‌کندن و حق و ناحق تحصیل کرده‌ایم که خودمان و

کسان مان از آن فایده برداریم و گذران کنیم، حالا به چه اطمینان به بانک ملی بدهیم. ضامن این بانک کیست، مدیر و رئیس کیست، با صاحبان وجه به چه قسم معامله می‌نمایند. کی پس می‌دهند و چه وقت به حساب او رسیدگی می‌شود؟^{۱۸}

روزنامه ندای وطن پیش از آن بارها با انتشار مطالبی در لزوم تأسیس بانک ملی و حمایت عمومی از این بانک بالاخص از کسانی که دارای ثروت و مکنت عمده‌ای بودند، ولی به دلایلی حاضر به کمک و سرمایه‌گذاری در این بانک جدیدالتأسیس نبودند انتقاد کرد. از جمله یک بار نوشت:

... مردهای از زن کمتر کسانی هستند که پولهای عمده نقد دارند و به بانکهای خارجه می‌سپارند و به بانک ملی که حافظ دین و ناموس مملکت است نمی‌دهند، مسلماً این مردها هزار درجه از این زن کم‌ترند بلکه چون غیرت ندارند و آبادی وطن خود را نمی‌خواهند و پاس حقوق دولت را نگاه نمی‌دارند لفظ آدمیت را از وجود منحوس خود لکه‌دار نموده‌اند...^{۱۹}

این روزنامه در واپسین روزهای تلاش مجلس شورای ملی برای تأسیس بانک ملی که دیگر امید کمتری هم به پا گرفتن این بانک در دست طرح می‌رفت، بار دیگر ثروتمندان و اهل مکنت را متهم کرد که هیچ‌گونه احساس وطن پرستی نداشته، بلکه بیش از هر چیز به منافع شخصی خود توجه نشان می‌دهند و آنان را نکوهش کرد که پولهای خود را به بانک شاهنشاهی و استقراضی می‌سپارند اما حاضر نیستند با سرمایه‌گذاری در بانک ملی قدمی در راه استقلال کشور بردارند. در بخشهایی از این نوشتار روزنامه ندای وطن چنین می‌خوانیم:

... حالا برگردیم به وطن عزیز خودمان: اولاً از صدی پنج نفر امروز صاحب حس وطن پرستی نیستند و علاوه از آنکه مال را در راه حفظ استقلال وطن نمی‌دهند بلکه استقلال وطن را برای آسودگی شخصی و تحصیل مال تقدیم می‌نمایند. به کدام دلیل، به این دلیل که بزرگان مملکت خودشان را به دول همسایه بسته‌اند و از وابستگی به آنها افتخار می‌کنند و هر روز انتظار می‌کشند که آنها بیایند و این مملکت را اداره کنند پولهای خود را صدی سه به بانکهای خارجه می‌دهند و حاضر

۱۸. روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۶۸، دوشنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۵، ص ۴.

۱۹. همان، سال اول، ش ۱۵، شنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۵، ص ۳.

نیستند در داخله مملکت از قرار صدی دوازده بدهند.....^{۲۰}

در مقابل این‌گونه موضع‌گیریها کسان دیگری هم بودند که به دلایل عدیده امکان جمع‌آوری پول لازم از منابع داخلی را برای تأسیس و تشکیل بانک ملی منتفی می‌دانستند و اعتقاد داشتند که اصلاح تشکیلات مالی کشور جز از طریق استقراض از بانکهای خارجی حل نخواهد شد. چنانکه عین‌السلطنه از درباریان آن روزگار که به‌رغم موضع‌گیریهای سیاسی اش نوشته‌هایش قضاوتی نسبتاً بی‌طرفانه از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشور ارائه می‌دهد، درباره بحران مالی حاکم بر کشور و لزوم اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی چنین می‌نویسد:

و بدانید تمام این ابتلا و گرفتاری اصلاح امور ممکن نمی‌شود مگر با داشتن پول و پول امروز برای ما میسر نمی‌شود مگر در صورت یک استقراض کلی و آن هم ممکن نمی‌شود مگر از خارجه و آن عقیده اولیه شما که بر ضد استقراض خارجی بود به کلی لغو و غلط است. چنانچه بعد از یک سال با آن همه مذاکرات و افتضاحات دیدید بانک ملی تشکیل نشد و نخواهد شد. این است علمی و تجربه‌ای که در این مدت تحصیل شده و ممکن نیست تهیه پول مگر به وسیله استقراض خارجی. پس باید جداً و اکیداً در مقام تهیه و تحصیل برآیید و خارجه را مطمئن نمایید قرض بدهند. قرض خارجی هم ننگ نیست و تمام دول معتبری مقروض به دول دیگر هستند و ابداً سلب اعتبار دولتی آنها را نمی‌کند. چون در بدو امر صحبت استقراض بود به قدری وکلا نفرت کردند و بدگفتند و از بانک ملی شاهنامه خواندند که حساب نداشت. همین تنفر و صحبت آنها باعث شد که بانک روس و انگلیس پول نداد تا بدانند تفصیل از چه قرار است و به این روز گدایی و فقر و مسکنت افتادیم که خدا نصیب هیچ ملتی نکند.^{۲۱}

در واقع مجلس شورای ملی به‌رغم وعده‌هایی که جهت تهیه پول به دولت داده و حتی قرارنامه‌ای هم برای چگونگی اخذ وام از بانک جدیدالتأسیس ملی توسط دولت تهیه کرد،^{۲۲} اما به خاطر فقدان نقدینگی لازم این طرح مجلس صورت عملی به خود

۲۰. روزنامه ندای وطن، سال دوم، ش ۲۴۹، دوشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۲.

۲۱. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه). خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۷. جلد سوم، چاپ اول. ص ۱۸۳۵.

۲۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۲۹۲۷۹-ق و سند ۲۹۲۸۰-ق.

نگرفت و هیئت دولت و درباریان به انحاء مختلف محمدعلی شاه را از فکر اخذ وام از بانک ملی منصرف کرده لزوم اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را گوشزد می‌کردند.^{۲۳} و از آنجایی که محمدعلی شاه به هنگام تأیید نظامنامه بانک ملی شرط تشکیل آن را امکان اعطای وام به دولت اعلام کرده بود، به تدریج و به دنبال عجز این بانک در پرداخت پول مورد نیاز دولت لزوم استقراض از منابع خارجی مورد توجه دولت و نیز مجلس شورای ملی قرار گرفت.^{۲۴} در همان حال برخی اعتقاد داشتند که حتی برای پاگرفتن بانک ملی هم گریزی از استقراض از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی وجود ندارد و پیشنهاد می‌کردند مبلغی کلی از این بانکها اخذ شود تا به عنوان سرمایه اولیه بانک جدیدالتأسیس ملی منظور شده و در همان حال نیازهای روزمره مالی دولت نیز از طریق همین وام دریافتی برطرف شود. اما چنانکه برخی ناظران به درستی خاطر نشان می‌کردند بانکهای شاهنشاهی و استقراضی هرگز حاضر نبودند چنین وامی در اختیار دولت و مجلس ایران قرار دهند و هدف نهایی آنان تداوم وابستگی مالی دولت به آنها بود. چنانکه روزنامه ندای وطن در این باره چنین نوشت:

... بعضی را عقیده این است که یک مبلغ کلی که تقریباً صد کرور باشد از خارجه قرض شود... اما می‌گوییم این کار امروز ممکن نیست چرا که دولت‌های مجاوره ما هرگز راضی نمی‌شوند به اندازه احتیاج و لزوم به ما پول بدهند، چرا که راضی نیستند ما مشغول اصلاحات مملکتی بشویم. بلی دولت روس و انگلیس حاضر هستند که به قدر سه چهار کرور به ما قرض بدهند که بر احتیاجات ما و بر نفوذ آنها افزوده شود و ما امروز نمی‌توانیم یک دینار از دولت‌هایی که در مملکت ما نفوذ پلتیکی دارند قرض کنیم...^{۲۵}

بدین ترتیب و در حالی که بحران مالی دولت فراگیر شده و بخش اعظمی از تعهدات دولت به بانکهای خارجی و نیز ارباب حقوق و غیرو از طبقات مختلف به عهده تعویق افتاده و در مقابل مجلس شورای ملی نیز در تهیه پول از منابع داخلی موفقیتی حاصل نکرده بود، به تدریج بحث لزوم اخذ وام از کشورهای خارجی در میان نمایندگان مجلس مطرح مذاکره شد. با این حال هنوز نمایندگان اعتقاد داشتند که هرگاه نیازی هم به استقراض خارجی پیدا شود این وام نباید از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی اخذ شود.

۲۳. هاشم محیط‌مافی. پیشین. صص ۲۳۹ و ۲۴۵-۲۴۳. ۲۴. همان. صص ۲۳۰-۲۲۸.

۲۵. روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۱۰۲، یکشنبه ۳ شوال ۱۳۲۵، ص ۳.



در این برهه نمایندگان بیشتر تمایل داشتند وام مورد نیاز از کشور بی طرفی نظیر فرانسه اخذ شود. هارتویک سفیر وقت روسیه در تهران در ۲۱ ژانویه ۱۹۰۸ / ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۵ در این باره چنین گزارش می دهد:

تلاش ناموفق مجلس برای سر و سامان دادن به اوضاع مالی از طریق امکانات مملکت و مردم، نمایندگان را ناگزیر با طرح دریافت قرض خارجی که قبلاً حاضر نبودند حتی کلمه‌ای هم در این مورد بشنوند موافق ساخت.

در حال حاضر برعکس جلسه‌ای نیست که در آن یکی از اعضاء پارلمان به این مسأله جانسوز که آینده ایران به حل مساعد مسائل آن بستگی دارد اشاره نکند.

به وزیران پیشنهاد شده است با جدیت شرایط ممکنه برای دریافت چنین وامی را بررسی کرده و در این باره گزارش مفصلی به مجلس تقدیم دارند. در کمیسیون مالی مجلس ظاهراً کار فوری در مورد تهیه لوایح مختلفی جریان دارد. وزیر مالیه اغلب در مورد همین مسأله با همکاران خود جلسه کرده و امیدوار است تا آمدن قریب‌الوقوع مشاور فرانسوی مالیه [بیزو] مطالب کاملی را برای بررسی صحیح در مورد اوضاع کلی اقتصادی کشور و منابع آن جمع‌آوری کند.

ابتدا در اینجا این نظر حاکم بود که ایران برای خروج از مشکلات موجود به وامی به مبلغ حداقل ۵۰ میلیون تومان احتیاج دارد ضمناً پیش‌بینی می‌شد تنها فرانسه به عنوان یک قدرت اروپایی آن هم به شرط آنکه همه تضمینات لازم از طرف روسیه و انگلیس داده شود این مبلغ عظیم را بپردازد.

در مجلس جناح دیگری نیز شکل گرفته که آشکارا نسبت به صنیع‌الدوله وزیر مالیه همدردی می‌کند. به نظر این افراد، در حال حاضر در کشور منابع کافی که

بتواند پرداخت این قرض سنگین را تأمین کند وجود ندارد و به همین دلیل ایران می‌تواند در وهله اول با دریافت یک قرض فوری به میزان ۱۰ تا ۱۵ میلیون فرانک نیازهای کاملاً ضروری خود را برطرف سازد، سپس همزمان به فکر برقراری مالیاتهای غیرمستقیم بر روی بعضی از کالاهای مصرفی بیفتد تا این اقدام به افزایش درآمد دولت کمک کرده و منبع مطمئنی برای بازپرداخت قرض بعدی فراهم آید. اقدام مالی اخیر به نظر گروه نامبرده مزیت دیگری نیز دارد و آن اینکه بانکهای خصوصی کشورهای مختلف که سعی وافر و مصرانه‌ای برای کسب امتیازات سیاسی در ایران ندارند نیز می‌توانند در این معامله مشارکت کنند.

ضمناً همه در این امر متفق‌القولند که تصمیم نهایی در مورد این قرض باید پس از بررسی و نتیجه‌گیریهای مقتضی مشاور مالی فرانسوی اتخاذ شود. وی قرار است به زودی از فرانسه بیاید و در تهران با بی‌صبری در انتظار آمدنش هستند.

نمایندگان دول خارجی مقیم اینجا نیز به نوبه خود علاقه وافر نسبت به کاری که به آقای بیزو محول شده است نشان می‌دهند. در مراجعات مکرری که آنها به من و کاردار بریتانیا در مورد برنامه کار مشاور فرانسوی داشتند هم مارلینگ و هم من، دائماً خاطرنشان می‌ساختیم که کارشناس خارجی یاد شده به ابتکار خود دولت ایران به اینجا دعوت شده است....^{۲۶}

اما برخلاف انتظاری هم که می‌رفت نه بیزو مستشار مالی فرانسوی و نه بانکهای فرانسوی اقدامی برای تهیه نقدینگی لازم برای دولت ایران انجام ندادند^{۲۷} و بدین ترتیب بحران مالی و به تبع آن آشفتگی سیاسی کماکان ادامه یافت.^{۲۸} بگذریم از اینکه در همان زمان دولت ایران هر از چندگاه از بانک استقراضی برای برخی مصارف ضروری مساعده‌هایی محدود اخذ می‌کرد.^{۲۹}

از این مسائل که بگذریم بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در جلوگیری از تأسیس

۲۶. کتاب نارنجی. به کوشش احمد بشیری. ترجمه حسین قاسمیان. تهران، نشر پرواز، ۱۳۶۷. جلد اول، چاپ دوم. صص ۱۳۵-۱۳۴.

۲۷. عباس اسکندری. کتاب آرزو یا تاریخ مفصل مشروطیت ایران. تهران، انتشارات غزل، ۱۳۶۱. چاپ دوم. صص ۲۲۶-۲۲۱.

۲۸. غلامعلی‌خان عزیز السلطان (ملیجک ثانی). روزنامه خاطرات عزیز السلطان. به کوشش محسن میرزایی. تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۶. جلد دوم، چاپ اول. صص ۱۱۱۵، ۱۱۹۸-۱۱۹۷.

۲۹. کتاب نارنجی. جلد اول. ص ۱۸۳.

بانک ملی نقش قابل توجهی برعهده داشتند. بخش عمده‌ای از حقوقی که طی نظامنامه مربوطه به بانک ملی داده شده بود با منافع تجاری - اقتصادی بانکهای مذکور در مابین بود و مدت کوتاهی پس از انتشار این نظامنامه هم دو بانک مراتب اعتراض خود را نسبت به مفاد آن اعلام کردند^{۳۰} و در همان حال با درپیش گرفتن سیاستهای انقباض پولی بیش از پیش بر بحران مالی دامنگیر دولت افزودند. چنانکه ادوارد براون در این باره می‌نویسد:

اشکال تراشیدهای دیگری از طرف بانکهای روس و انگلیس سد راه شد تا آنجا که در قوه داشتند اشکال کمیابی پول را به میان آوردند، چه معتقد بودند و مسلم بود که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان در ایران به وجود آید آنها دیر یا زود کار از دستشان بیرون رفته و مجبور خواهند شد پی‌کار خود بروند.^{۳۱}

قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه) هم در خاطرات ۸ شوال ۱۳۲۵ خود به سیاست انقباض پولی بانکهای روس و انگلیس جهت تحت فشار قرار دادن دولت ایران چنین اشاره می‌کند:

در اول خارجه پول قرض می‌دادند این حکایت بانک ملی و این دروغهای ما اسباب آن شد که ندادند و حال هم نمی‌دهند، زیرا پلتیک آنها از این راه بیشتر از پیش پیشرفت کرد. می‌بینند فقر ما زودتر باعث هلاکت است. حالا بانک استقراضی که هرچه آنجا برده می‌شد گرو برداشته پول می‌داد الماس و زمرد هم که می‌بری بر نمی‌دارد و پول نمی‌دهد.

از روزی که این هیاهو [تأسیس بانک ملی] برخاسته دو بانک انگلیس و روس قطع معامله کرده این است صد دینار پول پیدا نمی‌شود. لیره شش تومان به چهار تومان رسید و خریدار ندارد، اگر صد تومان هم صبح به بازار بیاید غروب داخل بانک می‌شود و بیرون نمی‌آید. از قرار معلوم بانک روس سوای طلبی که از دولت دارد چهل کروور از تجار طلب دارد و زور آورده مطالبه می‌کند. این است قحط پول شده و از هر سمت گرفتار فقر شده‌ایم.^{۳۲}

در همان حال هنگامی که دولت و مجلس ایران درصدد برآمدند جهت تأمین سرمایه

۳۰. پیشین. به کوشش حسن معاصر. ص ۳۲۱.

۳۱. احمد اشرف. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹. چاپ

اول. ص ۱۰۳. ۳۲. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه). پیشین. جلد سوم. ص ۱۸۰۷.

اولیه بانک ملی قرضه‌ای تجارته‌ای از این دو بانک اخذ کنند با مخالفت هر دو بانک مواجه شدند.^{۳۳} علاوه بر آن هر دو این بانکها در شرایطی که بحران مالی دولت بر کسی پوشیده نبود جهت هرچه بیشتر تحت فشار قرار دادن دولت و مجلس مکرراً بازپرداخت اقساط مطالبات خود از دولت ایران را خواستار شدند.^{۳۴} از سوی دیگر فشار بانکها بر مشتریان خصوصی از طبقات مختلف شدت بیشتری پیدا کرد. به ویژه بانک استقراضی با اعمال فشار بر بدهکاران خود و مسدود ساختن اعتبارات مالی‌ای که پیش از آن در اختیار تجار و غیره قرار می‌داد عرصه را بر اولیای امور ایران تنگ ساخت. روزنامه *جبل‌المین* با اشاره به اعمال سیاستهایی از این نوع از سوی بانک استقراضی که آشکارا جهت جلوگیری از تأسیس و پاگرفتن بانک ملی صورت می‌گرفت، در این باره می‌نویسد:

یکی از وسایل عمده ضعیف کردن یک ملت قطع باب داد و ستد است تا دست تنگی عرصه را بر آنها تنگ نمایند و مجبور شوند هر شرایطی که تحمیل نمود مبلغی از طرف قرض کنند. ما به رأی‌العین مشاهده می‌کنیم که اجانب در دست تنگی ما می‌کوشند و روزبه‌روز حالت بی‌پولی بیشتر و رشته ثروت گسیخته‌تر گردیده و وضع کنونی طوری است که به واسطه نداشتن پول قادر به حرکت دادن یک یا صد قزاق نیستیم. تجار برای دو سه هزار تومان حیران و سرگردانند، بانک روسی که در حقیقت یکی از اسباب این کار است باب داد و ستد را بسته و متصل زور می‌آورد به وصول مطالبات خود. حتی از کسی که هزار تومان طلب دارد به گرفتن پنج تومان راضی می‌شود، زیرا که می‌داند گرفتن پنج تومان هم به یک اندازه گردش چرخ معامله را مانع می‌شود دور نیست بعد از این دیناری به احدی ندهد و به اسم برچیدن دکان زور به وصول مطالبات بیاورد.^{۳۵}

علاوه بر آن اخباری وجود داشت که حاکی از تلاش بانکهای شاهنشاهی و استقراضی برای ایجاد شورش و بلوا در میان ارباب حقوق و کسانی بود که دستمزد آنان در عهده تعویق افتاده بود تا به تبع آن دولت و مجلس ایران در اخذ وام از بانکهای مذکور چاره‌ناپذیر گشته و از فکر تأسیس بانک ملی منصرف شوند.^{۳۶} بدین ترتیب و به‌رغم

۳۳. کتاب آبی. جلد اول، ص ۵۲.

۳۴. همان. صص ۶۲-۵۹؛ پیشین. به کوشش حسن معاصر. صص ۲۳۹-۲۳۸.

۳۵. روزنامه *جبل‌المین*، سال اول ش ۱۱۵، شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۵، ص ۱.

۳۶. پیشین. به کوشش حسن معاصر. جلد اول، ص ۱۳۱.

پیگیری‌هایی که از سوی مجلس شورای ملی برای تأسیس بانک ملی صورت می‌گرفت کارشکنی‌های بانکهای روس و انگلیس و نیز سفارت آن کشورها در تهران در جلوگیری از این اقدام ادامه یافت.^{۳۷}

در همان زمان مذاکراتی میان دولت ایران با آلمانها جهت تأسیس شعبه‌ای از بانک شرقی آلمان در تهران و اعطای وامی کافی از سوی آن بانک به ایران جریان داشت^{۳۸} و بیم آن می‌رفت که با سرگرفتن قرضه از آلمان نقشه بانکهای شاهنشاهی و استقرای برای جلوگیری از تأسیس بانک ملی با شکست مواجه شود. به همین دلیل سفارتهای روس و انگلیس جهت جلوگیری از چنین اقدامی درصدد برآمدند پیش‌دستی کرده و وام مورد نیاز دولت و مجلس ایران را از طریق بانکهای شاهنشاهی و استقرای بپردازند. سر اسپرینگ رایس در ۸ مارس ۱۹۰۷ در این باره به سردار دگری چنین گزارش می‌دهد:

وزیر مختار روس به این جانب اظهار می‌دارد که به موجب اطلاعات خاصی که به او رسیده رئیس مجلس شورای ملی با سفارت آلمان مناسبات صمیمانه دارد و عملاً تعهد کرده است که با کمک آلمانها بانک را تشکیل بدهد... وزیر مختار روس پیشنهاد می‌کند برای پیشگیری اقدام آلمان بانکهای روس و انگلیس خود پول لازم را به بانک ملی پرداخت کنند و بدین وسیله حق گرفتن امتیاز را برای کشورهای متبوعه خود در ایران تحصیل نمایند... اگر ما [انگلیسیها] خود را برکنار نگهداریم بیم آن می‌رود که آلمان یا روسیه موقعیت بلامنازعی بیابند.^{۳۹}

اما چنانکه خواهد آمد آلمانها بالاخص با مخالفت هر دو کشور روس و انگلیس نتوانستند بانک مورد نظر را در تهران تأسیس کنند و طرح اعطای وام از سوی آن کشور به دولت ایران نیز متفی شده و بدین ترتیب دولتهای روس و انگلیس دیگر ضرورتی به پرداخت قرضه فوق به دولت ایران ندیدند.

بر اساس مدارک و گزارشهای موجود دولتهای روس و انگلیس جهت جلوگیری از تأسیس بانک ملی و نیز وادار کردن دولت و مجلس ایران به اخذ وام از بانکهای آن دو

۳۷. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵. جلد اول چاپ اول. صص ۴۴۴-۴۳۸؛ فریدون آدمیت. همان. تهران، روشنگران، بی‌تا. جلد دوم، چاپ اول. صص ۸۴-۸۲؛ احمد اشرف. پیشین. صص ۱۰۳-۱۰۲ و هاشم محیط‌مافی. پیشین. صص ۴۲۸-۴۲۷. ۳۸. در مباحث آتی در این باره به طور مبسوط سخن به میان خواهد آمد.

۳۹. پیشین. به کوشش حسن معاصر. جلد اول ص ۱۹۸.

کشور به روشهای تخریبی دیگری نیز متوسل شدند که از جمله مهم‌ترین آن ایجاد شورشهای تصنعی و نیز تلقین ناامنی و نابسامانی سیاسی، اجتماعی و... در بخشهای مختلف ایران بود. روزنامه جبل‌المتین در این باره چنین می‌نویسد:

آخر هرچه کردند که شاید بی‌پولی عرصه را بر ما تنگ کند و مجبور به قرض شویم دیدند تاکنون که شدت سختی بود خودداری کردیم و تن به قرض ندادیم و بعد از این نیز اگر بودجه مالیه به همین ترتیبی که کار می‌شود و نورانیت می‌دهد اصلاح و تطبیق شود دیگر ممکن نیست یک ضرورتی ما را دعوت به استقراض نماید. بنابراین آثار اختلال در اطراف مملکت ظاهر شد... جنرال فرنچ به روسیه رفت که اگر در بعضی نقاط ایران اختلالی عارض شود چه باید کرد و حقوق دولتین از چه قرار منظور خواهد شد و قشون را کدام یک بفرستد و دو کشتی را به مراقبت در باکو لنگر افکند، لابد باید خبر غیبی داشته باشند زیرا که بعد از این توطئه بلافاصله در نقاط وطن ما اختلال شروع شد ترکمان در استرآباد و صفحه خراسان انقلاب و غلغله افکند، تجار روس در اصفهان از عدم تأمین شکایت کردند. بنابر خبر روزنامه دیلی تلگراف از پترزبورگ و کمپانی از کمپانیهای مشترک بین تبعه روس و آلمان چنین مخابره نموده‌اند که دکاکین شیراز را اشرار اهالی غارت و یغما نموده و اقدامات مؤثره سریعه به جهت جلوگیری لازم و حتمی و الا طلبکاران آنها از عهده ادای قروض بر نخواهند آمد. انتشار این خبر یک اثر کریهی در خاطرها دارد و اگر به زودی رفع این قبیل اغتشاشات برنیاید یا از اشرار و مثل معتمد دیوان امثال این حرکات را وسیله می‌کند که به حکم اضطرار یک ایالت را دستمزد خباثهایش قرار دهند جلوگیری نشود، پیداست چه عقباتی در پیش راه ما ظاهر خواهد شد... این شرارتها دو عیب دارد که یکی آنکه در این بی‌پولی و تنگدستی مبلغی خسارت این غائله و غارت را مطالبه خواهند نمود و تا درجه‌ای دولت مجبور به اداء می‌شود [و اگر نتواند بدهد به زانو درمی‌آید و مجبور به قرض از این دو بانک روس و انگلیس می‌شود] دیگر آنکه زبان دولتها باز می‌شود یعنی فتح‌الباب خیالات آنها شده در انظار باز بی‌تربیت و محتاج به قیم و پرستار جلوه می‌دهند.^{۴۰}

در همان حال شایعاتی وجود داشت که حاکی از تلاشهای تخریبی بانکها و نیز سفارتهای روس و انگلیس در جلوگیری از یاری مالی اتباع ایرانی به بانک ملی در دست

تأسیس بود. در این باره بالاخص به قتل ارباب پرویز زرتشتی اشاره می‌شود که به دنبال تلاش بی‌وقفه زرتشتیان برای کمک به تأسیس بانک ملی اتفاق افتاد «و قتل او چنان وحشتی برانگیخت که آنان را از فکر کمک به ایجاد بانک [ملی] منصرف ساخت»^{۴۱}

بدین ترتیب و در حالی که «کار [تشکیل بانک ملی در اوایل مشروطه و در طی مذاکرات مجلس] به زودی رونق زیاد گرفت و عامه ملت از خرد و بزرگ با آن خیال همراهی و مساعدت بسیار به منصفه ظهور رسانیدند... و خیلی جای امید بود که به زودی کار بانک [ملی] سر و سامان صحیحی بگیرد ولی از آنجایی که استحکام کار آن خرابی کار بانکهای روس و انگلیس در ایران بود ایشان درصدد مشکل تراشی و ایجاد موانع برآمدند و کار را به جایی رساندند که از بیم آن ایرانیان وجوه خود را از بانکهای آنها درآورده و در بانک ملی بگذارند. در تأدیه وجوه بنای سخت‌گیری را گذاشته و چندان اسباب‌شکنی و وسیله‌تراشیهایی گوناگون نمودند که عاقبت کار بانک ملی سرنگرفت و داغی بر دل ایران‌پرستان بماند.»^{۴۲}

روزنامه ندای وطن که در آن هنگام سخت از ایده تأسیس بانک ملی دفاع می‌کرد و از وابستگیهای عدیده سیاسی - اقتصادی‌ای که به خاطر حضور و نفوذ بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در کشور ایجاد شده بود دولت و مجلس را تحویف و هشدار می‌داد، پس از آنکه واپسین تلاشهای مجلس برای تأسیس بانک ملی و تأمین سرمایه نقدی لازم از منابع داخلی برای آن با شکست مواجه شده و زمزمه لزوم اخذ وام از بانکهای خارجی (شاهنشاهی و استقراضی) از سوی نمایندگان مجلس و دولت و دربار برخاست طی مطلبی که گویا یکی از آگاهان به امور برای آن ارسال کرده بود، تلاشهای ناموفق مجلس در تأسیس بانک ملی را چنین سرزنش آلود و تأسف آمیز توصیف نمود:

عقلای مملکت و مبعوثان ملت چاره اصلاح کلیه امور را منحصر به پول دیده در دارالشورای کبری از ابتدای افتتاح مجلس مشورتها شده و رأیها برای تأسیس بانک ملی داده شد و به شرح اعلانی که تا کره قمر گمان دارم نسخه‌اش پیران گردید چه امتیازاتی که از دولت گرفته به بانک ملی حصر نمودند، یا به امتحان یا به وجدان غیورانه از مرد وزن دیدیم و شنیدیم و در نصیحت‌نامه‌ها خواندیم هرکس به قدر مقدور وجهی داده و قبض از تحویلداران بانک ملی گرفتند کمالینکه خود این بنده

۴۱. ع. دانشپور. بانک شاهنشاهی و امتیاز. تهران، چاپخانه موسوی، ۱۳۲۷. چاپ دوم. ص ۲۱.

۴۲. محمدعلی جمالزاده. گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۲. ص ۱۰۰.

پارسال واسطه فروش محقر اشیاء یک محترمه... بودم که هشتاد تومان وجهش را به اسم بانک ملی داده ۱۶ ورقه قبض پنج تومانی گرفتم، چه شده که مروراً دیگر نه کسی پول داده و نه مسئله به این مهمی طرف محافظه و دقت گردید خدا می‌داند تا اینکه عقاید به استقراض از خارجه متفق گردید. خارجیا بر ما خندیدند که چه گریه‌ها از آن خنده‌ها در عالم وجدان و حیات ملیه‌انگینتند و به زبان حال گویا گفتند که ما خود بر اصول و قواعد بانک آگاهییم که اسم فقط و ضمیر مقدار اعتبارش محدود است.^{۴۳}

ب. بانک استقراضی و طرح تأسیس شعبه بانک شرقی آلمان در ایران

آلمانیها حداقل از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به بعد جهت حضور جدی‌تر سیاسی و نیز اقتصادی در ایران تلاشهایی کرده بودند اما هر بار به دلایل عدیده که مهم‌ترین آنها مخالفت روس و انگلیس بود با ناکامی روبه‌رو شده بودند.^{۴۴} در صدر مشروطیت آلمانیها بار دیگر جهت ایجاد روابط سیاسی - اقتصادی فعال‌تر با ایران وارد صحنه شدند و این بار طرح تأسیس شعباتی از بانک شرقی آلمان در تهران و برخی شهرهای دیگر ایران مورد توجه آنان قرار گرفت تا علاوه بر رقابت با بانکهای شاهنشاهی و استقراضی روابط تجاری - اقتصادی آن کشور با ایرانیان را پوشش مالی - اعتباری دهد.^{۴۵} دولت ایران نیز که از سالها قبل تحت فشار سیاسی - مالی بانکهای روس و انگلیس قرار داشت ترجیح می‌داد با تأسیس بانکی آلمانی در ایران از این فشارها اندکی بکاهد. در حالی که مجلس جدید مشروطه به دلایل عمدتاً سیاسی اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را رد کرده بود، در شرایط بحران مالی دامنگیر دولت بانک آلمانی می‌توانست با اعطای قرضه‌ای کافی تنگنای مالی موجود را بکاهد.^{۴۶} ضمن اینکه بانک ملی ایران که تأسیس آن در دستور کار مجلس شورای ملی قرار گرفته بود در بدو تأسیس می‌توانست از یاری مالی و فنی بانک آلمانی بهره‌برداری کند.^{۴۷} در واقع جو

۴۳. روزنامه ندای وطن، سال دوم، ش ۱۸۳، چهارشنبه ۱۶ محرم ۱۳۲۶، ص ۳.

۴۴. فریدون آدمیت. پیشین. جلد دوم. صص ۸۶-۸۴.

۴۵. آنت دستره. مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳. ص ۱۵۷.

۴۶. چارلز عیسوی (ویراستار). تاریخ اقتصادی ایران: عصر فاجار. ترجمه یعقوب آژند. تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲. چاپ اول. ص ۵۶۰.

۴۷. منیژه ربیعی. بانک و بانکداری در تاریخ ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

سیاسی حاکم بر کشور نیز تا حدی نسبت به حضور جدی آلمانیها در ایران تمایل نشان می‌داد و تأسیس بانک آلمانی در ایران را جهت نجات دولت و مردم کشور از سلطه روس و انگلیس و بانکهای آن کشورها در ایران لازم می‌شمرد. چنانکه برخی از نشریات کشور با تحلیل از نقش بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در وابستگی اقتصادی - تجاری ایران به کشورهای روس و انگلیس تأسیس بانک آلمانی را برای کاهش این وابستگی مغتنم می‌شمردند.^{۴۸} با این حال به دولت و مجلس شورای ملی هشدار می‌دادند که در اعطای اجازه تأسیس این بانک به آلمانیها تمام جوانب احتیاط را رعایت کنند تا مشکلی نظیر

آنچه از تأسیس و فعالیت بانکهای شاهنشاهی و استقراضی دامنگیر کشور شد حادث نشود.^{۴۹} بگذریم از اینکه طرح تأسیس بانک آلمانی چند ماهی قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت مورد توجه اولیای امور حکومت ایران واقع شده بود و چنانکه از اسناد و مدارک برجای مانده برمی‌آید در دوره صدارت مشیرالدوله بود که حکومت ایران تمایل خود را به اخذ وام از آلمان و تأسیس بانکی آلمانی در تهران اعلام کرد. نماینده



میرزا نصر الله خان مشیرالدوله [۳۱۴-۳۱] ع

تجاری آلمان در تهران در ۴ ژوئن ۱۹۰۶ در این باره به صدراعظم آلمان چنین گزارش داد:

→ واحد تهران، ۱۳۷۲. صص ۱۱۹-۱۱۸.

۴۸. برای نمونه بنگیرد به: روزنامه جبل‌المتین. سال اول، ش ۳۰، یکشنبه ۲۰ ربیع‌الثانی، ۱۳۲۵. صص ۲-۱؛ سال اول، ش ۱۱۶، یکشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۵، ص ۲.

۴۹. روزنامه جبل‌المتین، سال اول ش ۳۲، سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، صص ۴-۳.



مقامات ایرانی و آلمانی عضو هیئت امنای بانک ملی ایران؛ از چپ: محمدابراهیم علم، باقر کاظمی، محمود جم، اتو فوگل، فرج الله بهرامی، امیراعلم، محمدعلی فروغی، لیندن بلات، حسین سمعی، حسین شکوه، ابراهیم حکیمی، حسن ادهم [۱۳۱۸-ع]

متصدی امور تجارتي آلمان در طهران: «فرايهر هارتمن فن ريخت هفن به صدر اعظم آلمان «فن بولو» - تهران ۴ ژوئن ۱۹۰۶ - چندی قبل آقاي ميرزا حسين خان پسر آقاي مشيرالدوله وزير امور خارجه ايران به طور نيمه رسمي اطلاعات ذيل را به اينجانب مي دادند: دولت ايران حاضر است براي مفتوح نمودن راه تجارت آلمان و ايران با کمپاني هامبورگ و آمريکا معاهده تجارتي منعقد و باکمال ميل و رغبت روابط تجاري آلمان را در ايران تقويت نمايد، ولي چون رقابتهای تجارتي از طرف روس و انگليس در ميان خواهد بود، دولت آلمان مجبور خواهد شد که به تأسيس بانکي در ايران اقدام نمايد حکومت آلمان مي تواند ضمناً مطمئن باشد که ايرانيها در تأسيس بانک مزبور از هيچ نوع کمک و همراهی مضايقه نموده و حتی شاه ايران سعی خواهد کرد که با شرايط و پيشنهادات مربوطه دولت آلمان کاملاً مساعدت کند. مشيرالدوله در عملي شدن قرار فوق الذکر گویا جنبه موافقي نشان داده و حتی اظهار مي داشت که دولت ايران حاضر است يادداشتی امضاء نموده و اطمینان دهد که بانکي را که دولت آلمان در آتیه به حکومت ايران معرفي خواهد نمود به رسمیت شناخته و با او مساعدت نمايد. خاتماً چنين می گفت که چون با وضعیت ايران ايجاد چنين بانکي فعلاً خیلی لازم است لذا تا سه هفته ديگر بايد جواب رسمي از طرف دولت آلمان داده شود. ريخت هفن. ۵۰

فن چيرشکی وزير امور خارجه وقت آلمان نیز در ۲۰ ژوئن ۱۹۰۶ طی مراسله ای به دفتر تجارتي آلمان در تهران موافقت دولت آلمان را با پيشنهادهای حکومت مرکزی ايران اعلام کرده توصيه نمود تا انجام بررسيها و مطالعات لازم موضوع فوق هم از سوی حکومت ايران و هم دفتر تجارتي آلمان در تهران مخفی نگه داشته شود.^{۵۱}

چند ماهی پس از پيروزی انقلاب مشروطيت با تمایلي که دولت جديد ايران برای اخذ قرضه از آلمانيها و نیز تأسيس بانک آلمانی در ايران نشان داده بود مأموری از سوی بانک شرقي آلمان و دولت آن کشور وارد تهران شد تا پيرامون موضوع تحقيق و بررسی کرده با مسئولین امر مذاکره کند. اما چنانکه از اسناد و مدارک برجای مانده برمی آید پيش از آغاز مذاکراتش با دولت ايران درصدد برآمد با سفارتهای روس و انگليس در تهران ملاقات کرده و به نوعی نظرات موافق آنان را به طرح تأسيس بانک آلمانی در ايران

۵۰. روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۰۵، چهارشنبه ۸ دی ۱۳۱۰، ص ۲.

۵۱. همان.

جلب کند. هاشم محیط‌مافی در این باره می‌نویسد:

از اوایل مشروطیت ایران شنیده شده و می‌شود که از طرف مغرب یک صیاد چابک‌دست با نهایت چابکی کمند تسخیر به ایران می‌افکند و خیال صید کردن مارا دارد. مجملش این است که دولت آلمان در ایران می‌خواهد بانک تأسیس نماید. مأمورش وارد طهران گردیده و در اینجا است. این حرف مدتی است در طهران و مجلس و اکثر از انجمنها مطرح است، از طرف مجلس که انتشار نداده‌اند. معلوم نیست چه خبر است.

از قواری که تلگرافات خارجه خبر می‌دهد کورتان که مأمور تأسیس بانک است به طهران وارد شده قبل از آنکه با کارگزاران دولت ایران گفت‌وگو از مأموریت خود بکند و به دولت ایران معرفی شود، بدو با وزرای مختار دولت آلمان و روس و انگلیس در طهران ملاقات کرده و به ایشان معرفی شده چه محشری است که مأمور بانک از آلمان می‌آید باید خود را به وزرای مختار دولتین مزبور معرفی کند، [با] مختصر مطالعه در این قضیه خیلی مطالب کشف خواهد شد. اگر در حقیقت دولت دایران اختیار مملکتش دست کسی نیست، خود مختار است، چرا وکیل بانک آلمان اول باید سفیر روس و انگلیس را راضی کند و از دو سفیر اجازه حاصل نماید. مگر ولت ایران مطیع اجانب است؟ مگر سفرای مزبور کدخدای مملکت ایران هستند؟... ۵۲

مذاکرات گوتمان نماینده بانک شرقی آلمان با اولیای دولت ایران تا ۲۴ ژوئن ۱۹۰۷ ادامه یافت و نهایتاً طرفین برای تأسیس شعبه بانک شرقی آلمان در تهران به توافقاتی دست یافتند. ۵۳ در قرارنامه تأسیس بانک شرقی آلمان در ایران که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۷/ ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ به تأیید طرفین رسید و شامل یک مقدمه و چهارده فصل است اعطای وام به دولت ایران پیش‌بینی شده و نیز برای بسط فعالیت تجاری این بانک در امور مختلف اقتصادی تسهیلاتی در اختیار امتیازداران نهاده شده بود. در این قرارنامه که البته مفاد آن تا حد زیادی محدودکننده حوزه فعالیت بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در ایران بود، چنین می‌خوانیم:

۵۲. هاشم محیط‌مافی. پیشین. صص ۳۷۶-۳۷۵.

۵۳. روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۱۵، دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۱۰، ص ۲؛ پیشین. به کوشش حسن معاصر.

بر وفق قرارداد هشتم جمادی الاول مطابق اول ژوئیه ۱۹۰۶ موشح به دستخط شاهنشاه رضوان آرامگاه مظفرالدین شاه که به مضمون آن دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران اجازه داده است که یک بانک آلمانی مقیم طهران او را تصدیق کرده باشد بانکی در ایران تأسیس نماید. لهندا در این موقع که سفارت آلمان دویچ اوریانت بانک اکتیسن کزل شافت (بانک شرقی آلمان شرکت آنونیم) مقیم برلن را به دولت علیه ایران معرفی می نمایند مذاکرات لازمه قبل از انقضای مدت مقرر در قرارداد مذکور در طهران شروع شده فصول ذیل تشریح آن قرارداد مقرر می گردد.

فصل اول: دولت اعلیحضرت شاهنشاهی به موجب قرارداد حاضر به دویچ اوریانت بانک اکتیسن کزل شافت مقیم برلن که نماینده آن مسیو هربرت گوتمان مدیرکل بانک مزبور است اجازه می دهد که در مملکت ایران بانکی تأسیس نمایند که اقبالاً دارای دو کروور تومان سرمایه باشد. این قرارداد تا مدت چهل و پنج سال (۴۵) از روزی که قرارداد حاضر به امضاء برسد برقرار خواهد بود و بانک مزبور می تواند در سایر شهرهای ایران شعبات تأسیس نماید. مرکز این بانک در ایران در دارالخلافه طهران خواهد بود.

فصل دوم: بانک آلمانی اجازه همه قسم معاملات نقدی و تجاری دارد چه از برای خودش چه از برای غیر، مشروط بر اینکه هیچ یک از این معاملات مخالف عهدنامه ها و قوانین مملکتی و مذهبی ایران نباشد. بانک متعهد می شود که پروات دولتی را که به عهده خود بانک حواله نشده است نه تنزیل کند و نه به اعتبار آنها مساعدت به صاحبان آنها بدهد.

فصل سیم: در صورتی که یکی از اتباع دولت علیه ایران قرضی از بانک آلمان کرده و در مدت شش ماه بعد از انقضای موعد وجه آن را نپرداخته باشد، در این حال دولت علیه شخص مدیون را در صورت تمکن ملزم خواهد کرد که مطالبات بانک را به انضمام تمامی مخارج آن به بانک بپردازد. در صورتی که امر به عزمی منجر شود بانک نسبت به سایر ذوی الحقوق که مطالبات آنها به ثبوت رسیده باشد ترجیح و تقدیم نخواهد داشت.

فصل چهارم: دولت علیه ایران عده سرباز موسومه را برای قراولی مرکز و شعبات بانک آلمانی خواهد داد.

فصل پنجم: بانک آلمانی مجاز است که مبل و ضروریات دفتری که برای مرکز

بانک و سایر شعبات خود لازم داشته باشد در نوبت اول بدون گمرک وارد نماید.
فصل ششم: مادامی که آوردن نقره و سکه کردن آن آزاد است بانک آلمان در مدت این قرارنامه درآوردن نقره و دادن به ضرابخانه برای سکه مجاز است و در صورتی که دولت قانون تازه در این باب وضع نماید. بانک آلمانی هم در حکم سایر بانکها خواهد بود.

فصل هفتم: در صورتی که ما بین دولت علیه و بانک آلمانی اختلافی ظاهر گردد، هر یک از طرفین یک یا دو نفر حکم اختیار خواهند نمود که حکم ایشان قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین حکمهای مزبوره معزی‌الیهم یک نفر را اختیار کرده به هر طرف رأی داد همان قاطع خواهد بود.

فصل هشتم: دویچ اوریانت بانک آگتسین کزل شافت متعهد می‌شود که بانک را در ایران در مدت دو سال از تاریخ امضاء شدن این قرارداد باز نماید و بانک وقتی مفتوح خواهد بود که اداره در طهران تشکیل داده باشد و سرمایه مذکور در فصل اول پس از انقضای مدت یک سال نقداً تحویل اداره بانک داده شده باشد. اگر بانک آلمانی این تعهد را در مدت مذکوره به جای نیاورد این قرارداد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

فصل نهم: بانک آلمانی متعهد است که در معاملات خود اکثر از صد دوازده فایده نگیرد.

فصل دهم: در صورت تقاضای دولت بانک آلمانی حاضر است برای دولت علیه تأدیه هرگونه وجوهی را در خارجه به عمل بیاورد بدون آنکه حق العمل مطالبه نماید.

فصل یازدهم: دولت علیه ایران حق دارد سالی یک نوبت به توسط وزیر تجارت یا معاون او با حضور مدیران بانک کل اعمال بانک را ملاحظه نمایند.

فصل دوازدهم: این ورقه قرارنامه در طهران در نخستین نوشته شده یک نسخه از آن بر حسب امر مقدس ملوکانه به مهر وزیر تجارت و وزیر امور خارجه و نسخه دیگر به امضاء مسیو هربرت گوتمان نماینده دویچ اوریانت بانک و تصدیق سفارت آلمان مقیم طهران رسیده است.

فصل سیزدهم: در موارد لازمه ملول عبارات فارسی این قرارنامه معتبر خواهد بود.

فصل چهاردهم: نسختین مزبورترین در طهران به تاریخ چهارشنبه سیزدهم شهر جمادی الاخر یک هزار و سیصد و بیست و پنج هجری مطابق بیست و چهارم ژوئیه ۱۹۰۷ یک هزار و نهصد و هفت میلادی مبادله گردید. ۵۴

در حالی که مذاکرات نمایندگان بانک شرقی آلمان با اولیای دولت ایران برای تأسیس شعبه آن بانک در ایران در جریان بود مخالفت‌هایی از سوی برخی نשרیات ایرانی با واگذاری این امتیاز به آلمانیها ابراز می‌شد که از یک سو اعتقاد داشتند اهداف سیاسی آلمان از اخذ امتیاز بانک در ایران بر منظورات اقتصادی آن کشور ترجیح دارد و از سوی دیگر به اولیای دولت ایران هشدار می‌دادند تا بیش از پیش بر فشار قدرتهای بزرگ بر شئون مختلف کشور نیفزایند. ۵۵ از جمله روزنامه جبل‌المین که پیش از آن به طور ضمنی درباره تأسیس بانک آلمانی در ایران به اولیای دولت ایران هشدار داده بود، در ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ با اشاره به اعمال فشار بانکهای شاهنشاهی و استقراضی به دولت و مردم ایران نوشت:

... ما بیچارگان را دیگر خونی در بدن نیست که کسی به مکد و از آن شکم را پر کند [اشاره نویسنده به تقاضای آلمان جهت افتتاح یک بانک آلمانی در ایران است] هرچه بود بردند و ما را با ذلت و پریشانی رفیق شفیق ساختند، حالیه در دستمان جز یک مشت کاغذ باطله که اسمش را اسکناس می‌گذاریم و در گردنمان غیر از مبلغی قرض بانک روس چیزی باقی نمانده... ۵۶

همین روزنامه حدود دو ماه بعد در ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ باز هم با اشاره‌ای مبسوط‌تر به تجاوزکارهای سیاسی - اقتصادی بانکهای استقراضی و شاهنشاهی در ایران اولیای دولت ایران را در اعطای امتیاز تأسیس بانک آلمانی در ایران چنین شماتت کرد:

[کسانی که امتیاز بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را اعطاء کردند]...

آیا هیچ امعان نظری در بانک انگلیس و روس فرمودند و خساراتی را که از این دو اداره بر ملت و دولت آمده ملاحظه کردند. آیا هیچ‌کس می‌تواند شک نماید که این دو بانک تا چه اندازه روح ملت را بردند و به قول روزنامه ایران ناموس اصغر ما

۵۴. مینا ظهیرنژاد ارشادی (به کوشش). گزیده اسناد روابط ایران و آلمان. چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶. صص ۳۸۳-۳۸۱.

۵۵. برای نمونه بنگرید به روزنامه جبل‌المین، سال اول، ش ۱۵، چهارشنبه ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، صص ۳-۲.

۵۶. روزنامه جبل‌المین، سال اول، ش ۱۳، دوشنبه ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، ص ۲.

را تصرف نمودند. آیا میزان صرف پول را در ایران جز بانک خارجه برهم زد. آیا تجارت ما را جز این دو بانک به خود انحصار داد. آیا در هیچ مملکتی از ممالک عالم وحشی یا متمدن هیچ وزیری دیده شده است که فصل اساسی امتیاز بانکی را که ضامن حقوق مردم است برای جزئی دزدی خود فسخ کند و حقوق ملتی را بفروشد. آیا بانک انگلیس که بانک دولتی ایران است مقید نبود که موافق اسکناس رایجه پول نقد در خزانه دولت داشته باشد که ضامن معاملات او باشد و ضامن این کاغذ پوسیده‌ها که در دست مردم است شود. این شرط را کدام خیانتکار اجازه به نسخ آن داد و کمیسر مأمور محترم دولت ایران چگونه قبول نمود. آیا بانک روس که بانک رهنی برای استقراض بود به رهن کلام وثیقه چهارده میلیون مال‌التجاره قلب را در بازار تهران و سایر ممالک ایران پراکنده نمود و تجار جاهل و کسبه عامی را مقروض و مرهون خود داشت که آیا این بیچارگان چگونه از زیر این بارگران به درآیند و جانی به سلامت از چنگ این گرگان گرسنه و روباهان محیل براینند. مگر نه از برکت این دو بانک بود که جنس طلا از ایران برافتاد و میزان نقره شکست و اعتبارات صرافی از میان اتباع ایران سلب شد. دیگر ندانم چه برای این ملت بی‌نوا باقی مانده که دولت سومی دامی از نو بگستراند و نیرنگی تازه به کار برد.^{۵۷}

مخالفت‌هایی از این نوع البته تأثیری جدی در سیاست آلمانیها و نیز اولیای امور دولت ایران برای تأسیس بانکی آلمانی در ایران نداشت بلکه آنچه در این میان پراهمیت می‌نمود مخالفتی بود که هم روس و هم انگلستان برای حمایت از بانکهای استقراضی و شاهنشاهی با تأسیس بانک آلمانی ابراز می‌داشتند. این دو کشور به ویژه نگران حیظه سیاسی فعالیت این بانک مورد توجه آلمانیها بودند و به عبارت دیگر تأسیس بانک و گسترش روابط اقتصادی آلمان با ایران را مقدمه‌ای برای توسعه نفوذ سیاسی و سپس نظامی آن کشور در ایران ارزیابی می‌کردند و هرگاه در نظر داشته باشیم که در آن هنگام جهان سرمایه‌داری دوران موسوم به صلح مسلح (۱۹۰۰-۱۹۱۴م) را پشت سر می‌گذاشت به اهمیت قضیه بیشتر پی خواهیم برد. دولت آلمان نیز که در هر حال به اهمیت سیاسی و هم اقتصادی تأسیس بانک در ایران واقف بود تلاشهایی را به کار برد تا اولیای امور دولتی روس و انگلیس را متقاعد سازد که هدف آن کشور از تأسیس بانک در ایران صرفاً فعالیت اقتصادی - تجاری بوده و هیچ‌گونه منظور سیاسی از آن دنبال

نمی‌شود. از جمله وزیر امور خارجه آلمان در ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۶ در این باره به سفیر آن کشور در پترزبورگ چنین تعلیمات داد:

وزیر خارجه آلمان [چیرشکی] به سفارت آلمان در پترزبورگ [برلن ۲۹ ژوئیه] - : دولت ایران فقط با ابتکار خود و بدون هیچ نوع اقدامی از طرف سفارت آلمان تأسیس بانکی را در ایران از ما تقاضا نموده است. طبق تقاضای دولت ایران این موضوع می‌بایستی تا شش ماه دیگر یعنی تقریباً تا اول ژانویه ۱۹۰۷ به کلی محرمانه باشد. این موضوع واضح و حتی محتاج به تذکر هم نیست که ایجاد مؤسسه فوق به هیچ وجه مقاصد سیاسی را در بر نداشته و دولت آلمان فقط از لحاظ اقتصادی مبادرت به این امر می‌کند. زیرا تأسیس بانک مذکور ابداً به روابط سیاسی فعلی ما در این سرزمین تغییراتی نخواهد داد. علیهذا برای رفع هرگونه سوء تفاهم مقتضی است حضرت اشرف [منظور سفیر آلمان در روسیه است] شخصاً شرایط قرارداد و قضایای بانک را به حکومت روسیه واضح و روشن نموده و رفع هرگونه سوء تعبیری را بفرمایید.

برای مزید اطلاع حضرت اشرف توضیح داده می‌شود که عین این یادداشت برای اقدام مقتضی و جلب موافقت نظر حکومت انگلستان به سفارت آلمان در لندن ارسال گردید. امضاء - چیرشکی وزیر خارجه آلمان. ۵۸

در همان حال تحت فشار روس و انگلیس که وجود بانک آلمانی را در ایران برنمی‌تابیدند وزارت امور خارجه آلمان در یادداشتی به شرح زیر به سفارت آن کشور در تهران که تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۶ را بر پیشانی دارد تأکید کرد که دولت آلمان در شرایط موجود هیچگونه امکان کمک مالی به دولت ایران نداشته و هرگاه در آینده در اوضاع موجود بهبودی حاصل شود درباره تأسیس بانک آلمانی در ایران مذاکره به عمل خواهد آمد:

وزیر خارجه آلمان چیرشکی به نماینده دولت آلمان در تهران «ریخت هفن» - برلن ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۶ - موضوع بانک فقط از نقطه نظر تسهیلات امور تجاری ما در ایران مورد تصویب واقع شده نه برای بسط سیاسی، مساعدت مالی به حکومت ایران اشکالات زیادی را تولید و روابط ما را به کلی با دولتین روس و انگلیس تیره خواهد نمود. علیهذا مقتضی است به رئیس‌الوزرای ایران چنین جواب دهید [به

خاطر فشار روس و انگلیس به آلمان]: «مالیه دولت آلمان به علت عدم تأمین قضایای بانکی خود از استقبال پیشنهاد دولت ایران موقتاً خودداری و قضایا را در آتیه مورد مطالعه قرار خواهد داد. چون حکومت ایران تشکیل بانکی در تهران برای ما و منافع خود را لازم و صلاح دیده است از این جهت دولت آلمان جدیت خواهد کرد که هرچه زودتر به تشکیل آن موفق شده و مؤسسه مزبور را به حکومت شاهنشاهی معرفی نمایند.^{۵۹}

در همان حال که دستگاه وزارت امور خارجه آلمان به انحاء مختلف قصد داشت موضوع تأسیس بانک آلمانی در ایران را صرفاً در چارچوب روابط تجاری - اقتصادی دو کشور آلمان و ایران توجیه کند و این نکته را نیز بارها از طریق سفرای خود در پترزبورگ و لندن به اطلاع اولیای امور دولتی رسانیده بود.^{۶۰} اما دو کشور روس و انگلیس که در هر حال حضور جدی تر آلمان در عرصه ایران را منافی قدرت و نفوذ خود تشخیص می دادند از هر فرصت ممکن در تقییح این اقدام آلمان و نیز قصد آن کشور برای اعطای وام به دولت ایران می کوشیدند. به ویژه اینکه در آن هنگام مجلس شورای ملی طرح اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را رد کرده بود و زمزمه‌هایی وجود داشت که حاکی از تمایل دولت و مجلس برای اخذ وام از آلمانیها و اعطای امتیاز تأسیس بانک به اتباع آن کشور در ایران بود تا با کمک وام اعطایی آلمان و نیز بانکی که آن کشور در ایران تأسیس می کند بانک در دست تأسیس ملی ایران قوام بیابد.^{۶۱} چنانکه وقتی به دنبال دستور وزارت امور خارجه آلمان سفیر آن کشور در روسیه به وزیر خارجه کشور اخیر توضیح داد که هدف آلمان از تأسیس بانک در ایران صرفاً به منظورات اقتصادی معطوف خواهد بود، وزیر خارجه روسیه توضیح سفیر را قانع کننده ندانست. سفیر آلمان در سنت پترزبورگ در ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷ درباره پاسخ و واکنش وزیر خارجه روسیه به گفتار او در باب اهداف تجاری - اقتصادی بانک آلمانی در ایران به صدراعظم آلمان چنین گزارش داد:

... آقای وزیر خارجه [روسیه] در جواب عرایض بنده [سفیر آلمان در روسیه] اظهار

۵۹. روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۱۵، دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۱۰، ص ۲.

۶۰. روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۱۵، دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۱۰، ص ۲.

۶۱. روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۱۷، چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۱۰، ص ۲ و فریدون آدمیت، پیشین، جلد دوم،

داشتند که چندی است وضعیت آلمان در تهران از جنبه تجاری تجاوز نموده و موقعیت سیاسی به خود گرفته... برای ثبوت فرمایشات خود چنین فرمودند که در موقع تأسیس بانک آلمان در تهران کارکنان سیاسی آلمان با حکومت ایران رسماً داخل مذاکره شده و بر علیه روسیه موادی را در پیشنهاد خود گنجانیده‌اند...^{۶۲}

در پیشگیری از خطر نفوذ آلمان در ایران بود که وقتی شایع شد آلمانیها سرمایه لازم برای تأسیس بانک ملی را که مجلس آن را طرح کرده و نظامنامه‌اش را تنظیم نموده بود، تهیه خواهند کرد، دولتین روس و انگلیس بلافاصله واکنش نشان داده و خواستار جلوگیری از این اقدام احتمالی آلمانیها شدند. این دو کشور در آن برهه نه تنها کمکهای آلمانیها به ایران را برخلاف مصالح خود تشخیص می‌دادند بلکه تأسیس بانک ملی با سرمایه اعطایی آلمان را نیز با فعالیتهای آتی بانکهای شاهنشاهی و استقراض مغایر می‌دانستند. به همین دلیل طرح پرداخت سرمایه اولیه مورد نیاز بانک جدیدالتأسیس ملی ایران مورد توجه سفارتین روس و انگلیس در تهران قرار گرفت. سر سسیل اسپرینگ رایس در ۸ مارس ۱۹۰۷ در این باره به سر ادوارد گری چنین می‌نویسد:

بانک ملی هنوز فاقد سرمایه است. وزیرمختار روس به این جانب اظهار می‌دارد که به موجب اطلاعات خاصی که به او رسیده رئیس مجلس شورای ملی با سفارت آلمان مناسبات صمیمانه دارد و عملاً تعهد نموده است که با کمک آلمان بانک را تشکیل بدهد.

چنانکه آلمانیها حاضر به دادن کمک گردند، این امر آنها را ذیحق خواهد ساخت که در امتیازات بانک شرکت داشته باشند. وزیرمختار روس پیشنهاد می‌کند برای پیشگیری اقدام آلمان، بانکهای روس و انگلیس خود پول لازم را به بانک ملی پرداخت کنند و بدین وسیله حق گرفتن امتیاز را برای کشورهای متبوعه خود در ایران تحصیل نمایند.

مدیرعامل بانک شاهنشاهی که با او مشورت کرده‌ام می‌گوید که اظهار وزیرمختار روس به احتمال قوی صحیح است لیکن تصمیم لازم باید در لندن گرفته شود. اگر ما خود را برکنار نگهداریم بیم آن می‌رود که آلمان یا روسیه موقعیت بلامنازعی بیابند. از طرف دیگر تنها ذخیره فلزی موجود در ایران در اختیار بانک شاهنشاهی است. این ذخیره ناچیز است و به علت قیمت کنونی نقره نمی‌توان آن را افزایش داد.

اگر قرار شود که این ذخیره در کنترل بانک ملی قرار گیرد، بانک ملی می‌تواند با در نظر گرفتن اینکه اسکناس توسط بانک شاهنشاهی منتشر می‌گردد زیانهای هنگفتی به بانک اخیر وارد سازد. بنابراین اگر پیشنهاد روسیه را بپذیریم بایستی فقط در اروپا پول را پرداخت نمائیم. ایران اگر پولی از جای دیگر هم تهیه کند به هر حال این پول در اروپا پرداخت خواهد شد.^{۶۳}

مخالفت روس و انگلیس با تأسیس بانک آلمانی در ایران ادامه یافت و نهایتاً از تأسیس و گشایش آن در ایران جلوگیری به عمل آمد. واپسین تلاشهای دولت ایران برای تأسیس بانک آلمانی در ایران به هنگام ریاست‌الوزرای امین‌السلطان بود و گویا او نیز با تأسیس این بانک و کمک مالی آلمانیها برای تأسیس و پاگرفتن بانک ملی موافقت داشت. اما چنانکه از مفاد برخی گزارشات ارسالی سفارت انگلیس به لندن برمی‌آید سفارتین روس و انگلیس به انحاء مختلف برای جلوگیری از تأسیس این بانک آلمانی در ایران کارشکنی می‌کردند.^{۶۴} مهدی‌قلی هدایت (مخبر السلطنه) هم در ذکر مهم‌ترین دلایل عقیم ماندن تلاش آلمانیها برای تأسیس بانکی در ایران به مخالفت روس و انگلیس اشاره کرده و می‌نویسد: «عین‌الدوله سرسری مواعیدی به سفارت آلمان راجع به افتتاح بانکی کرده بود، در کابینه اتابک اجرای آن مواعید را می‌خواستند، ناصرالملک وزیر مالیه هیچ‌گونه جوابی به سفارت نمی‌داد.



مهدی‌قلی خان مخبر السلطنه [۱۵-۴۳۵]

وزیرمختار اشمیریش دوستانه به من متوسل شد، می‌بایست مذاکرات با حضور ناصرالملک باشد. وزارت خارجه از مذاکرات عین‌الدوله سابقه اطلاع نداشت فصول

۶۳. حسن معاصر، پیشین، جلد اول، صص ۱۹۸-۱۹۷.

۶۴. فریدون آدمیت، پیشین، جلد دوم، صص ۸۴-۹۰. و مهدی ملک‌زاده، زندگانی ملک‌المکملین، چاپ اول، تهران، شرکت نسبی علی‌اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۵، ص ۲۳۱ و حسن معاصر، پیشین، جلد اول، صص ۱۹۸-۱۹۷.

قرارداد آلمان بعضی مخالف قرارداد بانک انگلیس و روس بود. صرفنظر از اینکه نزدیکی با آلمان دوری از روس و انگلیس می‌شد، می‌خواستیم آلمان هم رضایت داشته باشد، اما نمی‌توانستیم. عنوان بانک تجارتي بود در محوطه طهران و سمنان و قزوین و قم، حق اکتشاف هفت معدن داشتند، نفت مستثنی بود، در معاملات رهنی حق مداخله نداشت، امتیاز با بانک روس بود، در دو سال می‌بایست بانک تشکیل رسمی خود را اعلان کند. اراضی مجانی به بانک وعده داده شده بود. آوردن نقره را با انحصار می‌خواستند و نمی‌شد داد. مجلس دو شرط زیاد کرده بود. حد تنزیل صد نه یا ده - در تجارت ملاحظه‌ای وارد شده بود و ملاحظه‌ای صادر نشده بود. اتابک و ناصرالملک ساکت بودند و حق هم داشتند، فصول مفید قرارداد غیرقابل اجرا بود. در این بین حادثه قتل اتابک اتفاق افتاد. دولت ایران متعهد بود بدون رضایت روس امتیازی ندهید و لازمه افتتاح بانک آلمان بعضی امتیازها بود. در آوردن نقره بانک روس حق تقدم داشت. راه‌آهن بغداد جزء امتیاز بانک بود و دولت ایران محرمانه با دولت روس و انگلیس قراری داده بود.^{۶۵}

۶۵. مهدی‌قلی هدایت (مخبر السلطنه). گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت. به کوشش سعید وزیری و محمدعلی صوتی، چاپ دوم، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳. صص ۱۹۲-۱۹۱ و نیز بنگرید به روزنامه اطلاعات، سال ۶، ش ۱۵۱۵، دوشنبه ۲۰ دی ۱۳۱۰، ص ۲.